

چگونگی تأثیر معرفت توحیدی "عالم ذر" در دنیا براساس آیات و روایات

سیمین گرمی پناه^۱

چکیده

انسان پیش از گام نهادن در دنیا عوالمی را پشت سر گذاشته و آیه ۱۷۲ سوره اعراف اشاره به پیمانی دارد که او در عالم ذر قبل از این دنیا با آن مواجه می‌شود. پس معرفت ما به خداوند، ریشه در عوالم قبل از این دنیا دارد و آیات و روایات از معرفتی شهودی صحبت می‌کنند که ما در عالم ذر نسبت به خدا پیدا کردیم. چنین معرفتی در ما تثبیت شده و پا به این دنیا گذاشتیم. اما نکته مهم در ارتباط با معرفت توحیدی عالم ذر فراموشی چنین حادثه‌ای از سوی انسان‌هاست. این معرفت فطری در حالت اضطرار و هنگام شداید و مواجهه با مرگ ظهور می‌یابد و همچنین در حالت اختیار، به تذکر فرستادگان الهی می‌تواند شکوفا شود، تا آن اتفاق و شهود الهی به یادمان آید و حقیقت معرفت توحیدی در ما ایجاد شود. برای درک چگونگی ظهور معرفت توحیدی در این عالم، ابتدا تعاریفی از عالم ذر، معرفت فطری در آیات و روایات و سپس عوامل فراموشی معرفت توحیدی و چگونگی شکوفایی آن بیان شده است.

کلید واژه‌ها: عالم ذر، دنیا، معرفت، توحید، معرفت توحیدی.

^۱. طلبه سطح ۲ حوزه علمیه الزهرا شیراز

مقدمه

به عقیده مسلمانان عالم ذر یا روز آلت یکی از جهان‌های آفرینش است که در قرآن و روایات به آن اشاره شده است.

اینگونه نیست که ابتدای خلقت ما همان زمان تولد ما دردنیا باشد، بلکه انسان مسافری است که طبق آیات و روایات، عالم ارواح، عالم ذر و عالم ارحام و اصلا ب را پشت سر گذاشته و دنیا عالم میانی است که انسان آن را طی می‌کند و بعد از دنیا، عالم برزخ، قیامت و نهایت یکی از دو سرنوشت بهشت و جهنم در انتظار اوست.

یکی از مسائل مهمی که در خلقت انسان همواره مورد توجه متکلمین و مفسرین بوده، پیمانی است که خداوند از انسان در عالم ذر گرفته است. در برخی از روایات اسلامی این پیمانی که از انسان در عالم ذر گرفته شده، مربوط به فطرت نیز می‌دانند و مرتبط بودن این پیمان با فطرت را یکی از پایه‌های این پیمان قلمداد می‌کنند. معرفت توحیدی در عالم ذر، یکی از مهم‌ترین حوادث عوالم قبل است که از همه ذرات پیمانی بر توحید و ربوبیت خدا و نبوت پیامبران و ولایت اوصیا گرفته شد و سپس آن افراد که بصورت ذره بودند از بین رفتند و یا به جایگاه اولی خود بازگشتند.

در این تحقیق پس از بررسی معنای عالم ذر، آیات و روایاتی که در زمینه معرفت توحیدی وجود دارد را بررسی می‌کنیم و عوامل شکوفایی این معرفت و غفلت از آن را بیان می‌داریم.

۱- مفهوم شناسی واژه ذر و عالم ذر

ذر: در لغت به معنای کوچک و ریز از هر چیزی می‌آید. اصل در ماده این لغت پراکندن به صورت ذرات ریز است. در اصطلاح به مورچه‌های کوچک ذر گفته می‌شود، به دلیل آنکه وقتی از لانه خود خارج می‌شوند بصورت ذرات پراکنده می‌شوند. مانند ذراتی که در هوا پراکنده می‌شوند. واحد آن، ذره خواهد بود. بعضی گفته اند که ذره چیزی است که وزنی ندارد و از آن تعبیر می‌شود به ذرات غباری که در شعاع نوری که از پنجره تابد، دیده می‌شود.

ذریه: که در معنای نسل، یا فرزندان کوچک و کم سن و سال می‌باشد. بنابراین از ریشه ذر گرفته شده است. به معنی موجودات بسیار کوچک، از این نظر که فرزندان انسان نیز از نطفه بسیار کوچکی آغاز حیات می‌کنند^۱

عالم ذر: در لغت عالم را جمع مخلوقات یا جهان آفرینش معنا کرده اند. عالم و جهان، ابزار و آلتی است که بر ایجادکننده و صانعش دلالت دارد و اما عالم ذر به عالمی گفته می‌شود که در آن پیمانی به حکم فطرت و آفرینش، هر کس با خدای خود بسته است.

۲- عالم ذر و معرفت فطری در قرآن

آیات زیادی در ارتباط با عوالم قبل از دنیا، به خصوص عالم ذری توان ارائه کرد که مهم‌ترین و مشهورترین آیه در رابطه با عالم ذر و معرفت توحیدی آن، آیه ۱۷۲ و ۱۷۳ سوره اعراف است که آیه میثاق نامیده شده است و در پرتو آن به عالم ذر توجه شده است «وَ اِذْ اَخَذَرَبُّكَ مِنْ بَنِي اٰدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَاَشْهَدَهُمْ عَلٰى اَنْفُسِهِمْ اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلٰى شَهِدْنَا اَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اِنَّا كُنَّا عَنْ هٰذَا غٰفِلِيْنَ». این آیات دلالت محکم و بدون شک بر عالمی است که در زمانی از ما قبل خلقت بدن‌های بشر شکل گرفته است.

^۱ مصطفوی، التحقيق، ج ۳، صص ۳۳۰-۳۳۱/ ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۳۰۴/ معلوف، فرهنگ منجیدی، ص ۲۳۴.

ائمه معصومین(علیهم السلام) با اشارات و تفاسیری این آیه را یادآوری کرده اند به طوریکه برای مردم زمان خودشان قابل فهم باشد شاید که نوری بردل آنها تابیده شود و از غفلت دوری جویند.^۱

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه و در خصوص این آیه آورده است:

منظور از این عالم و این پیمان همان "عالم استعدادها" و "پیمان فطرت" و تکوین و آفرینش است. به این ترتیب که به هنگام خروج فرزندان آدم به صورت نطفه از صلب پدران به رحم مادران که دران هنگام ذراتی بیش نیستند، خداوند استعداد و آمادگی برای حقیقت توحید به آنها داده است، هم در نهاد و فطرتشان این سر الهی به صورت یک حس درون ذاتی به ودیعه گذارده شده است و هم در عقل و خردشان به صورت یک حقیقت خودآگاه. بنابراین همه افراد بشر دارای روح توحیدی هستند. سؤال و جوابهای این پیمان یک پیمان فطری بوده است که الان هم هرکس در درون خود آنرا حس می کند و حتی طبق تحقیقات روانشناسان، "حس مذهبی" یکی از احساسات اصیل روان ناخودآگاه انسانی است و همین حس است که بشر را در طول تاریخ به سوی خداشناسی رهنمون ساخته است.^۲

علامه طباطبایی(ره) نیز به تفسیر این آیه پرداخته و بیان کرده اند که :

«وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ» یعنی بیان سابق را برای اهل کتاب اتمام نموده و داستان اخذ میثاق را برایشان نقل کن و یا برای مردم نقل کن آن بیانی را که این سوره به خاطر آن نازل شده و آن این است که برای خدا عهدهی است برگردن بشر که از آن عهد بازخواست خواهد کرد و اینکه بیشتر مردم با اینکه حجت برایشان تمام شده، به آن عهد وفا نمی کنند. برای مردم موطنی ذکر کن که در آن خداوند، از صلب های بشر ذریه شان را گرفت به طوری که احدی از افراد نماند، مگر اینکه مستقل و مشخص از دیگران باشد و خداوند ذات وابسته به پروردگارشان را به ایشان نشان داد و علیه خود گواهاشان گرفت و ایشان در آن لحظه غایب از پروردگارش نبوده و پروردگارشان هم از ایشان محجوب نبود، بلکه به عینه دیدند که او پروردگارشان است، هم چنان که هر موجود دیگری به فطرت خود و از ناحیه ذات خود، پروردگار خود را می یابد، بدون اینکه از او محجوب باشد. خطاب و جواب "أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا" از باب زبان حال نیست، بلکه خطایی است حقیقی و کلامی الهی است و خدای تعالی هم کاری کرده و در نهاد بشر القائاتی کرده است که بشر مقصود خدا را از آن فهمیده و درک می کند که باید به ربوبیت پروردگارش اعتراف نماید و به این عهد ازلی وفا کند. انسان درمی یابد که در قیامت که بساط برچیده می شود و اموری که انسان را از این اعتراف درونی غافل می کند، از بین می رود و پرده هایی که میان بشر و پروردگارش حائل بوده است، برچیده می شود و بشر به خود می آید و این حقایق و آنچه را که میان او و پروردگارش

^۱ بستانی ۱۳۷۵: ۵۹۶ / راغب اصفهانی ۱۴۱۳: ۵۸۱ / مکارم شیرازی ۱۳۷۴، ج ۲، ۲۹۷.

^۲ مکارم شیرازی ۱۳۷۴، ج ۷، ۷۶.

گذشته بود به یاد می آورد.^۱

بطور کلی نکاتی رامی توان از این آیات به دست آورد:

۱. خدای متعال، فرزندان بنی آدم را در زمانی خاص از پشتشان بیرون کشید که به صورت ذره های کوچک بودند.

که پس از پیوستن روح به بدن و بهره مند کردن آن ها از شعور، عقل و اختیار کامل، به آنان خطاب کرد: «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» آیا من پروردگار شما نیستم؟ همگی در پاسخ گفتند: آری.

۲. وقتی خداوند مورد خطاب قرار می دهد، یعنی انسان حضور خدا را دیده است و آنگاه که انسان حضور خدا را بیابد، دیگر جای شک و شبهه نمی ماند و این معرفت در او است و جای انکار ندارد .
۳. خداوند این خطاب و اتمام حجت را بطور عمومی به همه انسان ها کرده پس هیچکس عذرو بهانه ای ندارد و همه از این معرفت و شهود بهره مندند .

۴. همه انسان ها در عالم ذر، با خدا این پیمان را بسته و اتمام حجت با آنها شده است و به همین دلیل در روایات به این معرفت، فطرت هم گفته شده و حجت خدا بر خلق به وسیله ی همین معرفت فطری تمام شده است.^۲

۳. عالم ذر و معرفت فطری در روایات

روایات زیادی در ارتباط با این عالم گرد آوری شده است. روایات عالم ذر مطالب مهمی برای ما روشن می - کند که ما در این مقاله بیشتر به توحید فطری و معرفت توحیدی می پردازیم .

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند: همانا خداوند عز و جل زمانی که ذریه حضرت آدم را از پشت او خارج کرد، برای اینکه از آن ها بر ربوبیت خود و نبوت تمام پیامبران پیمان بگیرد، نخستین کسی که بر نبوتش پیمان گرفته شد، محمد بن عبدالله صلوات الله بود، سپس خداوند به حضرت آدم علیه السلام فرمود:

^۱ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸: ۳۲۲ و ۳۲۳

^۲ بیابانی اسکونی، ۱۳۹۴، ص ۴۴۴.

بنگر چه می‌بینی؟ حضرت آدم علیه السلام به ذریه اش نگاه کرد. درحالی‌که به صورت ذرات آسمان را پرکرده بودند. آدم علیه السلام گفت: پروردگارا چقدر ذریه من زیادند، برای چه کاری آن‌ها را خلق کردی؟ مقصودت از گرفتن پیمان از آنها چیست؟ خداوند عز و جل فرمود: مرا عبادت کنند و چیزی شریک من قرار ندهند و به پیامبران ایمان آورند و از آنها پیروی کنند.^۱

امام علی علیه السلام با اشاره به آیه میثاق فرمود: وقتی خدای سبحان از انسان‌ها بر پذیرش ربوبیت خدا و عبودیت خودشان تعهد گرفت و آنها پذیرفتند، محصول این تعهد بصورت ورقه‌ای در دهان حجرالاسود که در آن روزداری چشم و دهان بود قرار گرفت؛ و این ورقه رابه دهان گرفت و درخود نگاه داشت و می‌داند که چه کسی تعهد داده و به چه چیزی متعهد گشته است. وقتی انسان وی رادست می‌کشد یا می‌بوسد به همان عهد وفا و درواقع، ربوبیت خدا و عبودیت خویش را تازه می‌کند و همین حجرالاسود در قیامت به توحید کسی شهادت می‌دهد که آن را استلام کند.^۲

امام صادق علیه السلام درعنوان آیه ۱۷۲سوره اعراف می‌فرمایند "ثَبَّتَ الْمَعْرِفَةَ فِي قُلُوبِهِمْ" معرفت توحیدی درقلبهای آدمیان ثابت گردید .

که این روایات و روایات بسیار دیگری که اشاره به تثبیت معرفت توحیدی درعالم ذر دارد . روایات دیگری نیز وجود دارد که بیانگر فراموشی عالم ذر توسط انسان‌ها است. که چنین اتفاقی ازذهن انسان‌ها فراموش می‌شود و یا ازیاد می‌برند. امام صادق علیه السلام دراین رابطه می‌فرمایند : درحادثه عالم ذر، معرفت خداوند درقلوب انسانها ثبت شد ولی آن جایگاه از یادشان رفت.

آنچه درارتباط با ضرورت معرفت عالم ذر درروایات آمده این است که فرموده اند: اگرعالم ذر و آن حادثه معرفی خدا و تثبیت معرفت توحیدی درقلوب انسانها نبود، کسی خالق و رازق خودرا نمی‌شناخت .

به عبارت دیگر اگر چنین معرفتی درعالم نبود و ما درشکل ذری مان درعالم ذر به معرفت خود نائل نمی-

^۱ فیض کاشانی، ۹۱، ج ۱، ۴۲۰، ۴/عیاشی، ۱۳۱، ج ۸، ۱.

^۲ =مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۲۸۰، ج ۱۶.

شدیم، در این دنیا هیچ راه و زمینه ای برای شناختن خداوند متعال برایمان نبود.

در اینجا بیان می‌داریم که در رابطه با آیه میثاق آمده است که پس از تثبیت معرفت در قلوب انسانها و فراموشی آن صحنه و معرفت بیان شده، روزی انسانها آنها را به یاد می‌آورند و این یادآوری در حالت سختی و اضطرار و اختیار خواهد بود. که چگونگی این یادآوری به این صورت است:^۱

الف: یکی از این دو صورت زمانی است که انسان گرفتار اضطرار و سختی شود که دست او از همه چیز کوتاه - شود و مرگ را در مقابل خود می‌بیند.

ب: دوم زمانی است که انسان تحت تعالیم پیامبران خدا و تذکرات آنها، این معرفت فراموش شده را بیاد می‌آورد.

در حالت اول اینکه بر اساس آیات و روایات یکی از شرایطی که انسان از غفلت و فراموشی معرفت عالم ذر بیرون می‌آید، به خدای فطری درون خود روی آورده و او را در قلبش می‌یابد و انسان در شرایطی است که در گرفتاری بسیار سخت و مهملکی گیر کرده و دستش از همه اسباب کوتاه است. مثلاً در آیاتی از قرآن خداوند می‌فرماید: وقتی انسان در معرض غرق شدن در دریا قرار می‌گیرد خدا را با اخلاص می‌خواند. (مثل سوره یونس آیه ۲۲).

این گروه از آیات راین موضوع دلالت می‌کند که معرفت خداوند متعال در فطرت همه انسان هاست و همان معرفت تثبیت شده ای است که در دنیا به فراموشی سپرده شده است.

در روایتی امام صادق علیه السلام از کسی که از ایشان می‌پرسند خدا را نشانم بده؟ امام می‌فرماید: آن شیئی که در لحظه ای که بدترین اتفاق برای در حال رخ دادن بود و راه نجاتی نداشتی و فقط به آن امید داشتی آن همان خداست که بالاتر از همه نجات دهندگان است.

در حالت دومی که انسان معرفت را به یاد می‌آورد این بود که این معرفت فراموش شده در حالت اختیار و بوسیله پیامبران بیاد می‌آورد. اینکه چون انسانها در دنیا دچار فراموشی و غفلت می‌شوند، خداوند متعال پیامبرانش را فرستاده تا به آنها توجه و تذکر دهند و یادآوری معرفت عالم ذر، تحت تربیت پیامبران حاصل

۱. برقی، ۱۳۷۱، ص ۲۸۱.

میشود و آن‌ها تذکر می‌دهند و دستوراتی نیز از طرف خدا ارائه می‌دهند. خداوند بوسیله ی آیات قران کریم و دعوت پیامبران بندگان را از فراموشی بیرون آورده و آن‌ها را متوجه معرفت فطری شان نسبت به خداوند می‌کند. شیطان بشر را اغوا می‌کند و می‌خواهد انسان‌ها از معرفت عالم ذر در غفلت و فراموشی به سر برند و دائما سعی او بر به وجود آوردن شرایطی است. هرچه بیشتر برای غفلت دامن زند تا اینکه در انسان‌ها چنین معرفتی شکوفا نشده و معرفت الهی به بار ننشیند. این اصلی ترین موانع غفلت معرفت توحیدی در قران و روایات است.^۱

این نکته درخور ذکر است که شیطان در غفلت و فراموشی معرفت عالم ذر نقش دارد و متقابلا می‌خواهد انسان هارا از این معرفت به سمت غفلت سوق دهد و دائما در تلاش است. که در قران شیطان دشمن قسم خورده انسان است و در روایات بسیاری به شیطان و تلاش های او در این باره بیان شده است .

^۱مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۲۳۲، ج ۱۴..

نتیجه گیری

یادآوری معرفت فراموش شده برای مومن و کافر در حال اضطرار و هنگام مواجهه با مرگ صورت می گیرد و این واقعه اتمام حجتی است برای کافران و موجب افزایش ایمان مومنین است. ولی نکته مهم یادآوری معرفت فراموش شده در حالت اختیار و از طریق تعالیم انبیا علیهما السلام است و این وظیفه بسیار مهم است طوریکه خداوند آنان را تذکر دهنده می نامد. جالب اینکه نقش شیطان نقطه مقابل رسالت انبیا است، زیرا که با وسوسه به انجام شراب و قمار و کارهای حرام انسان را هرچه بیشتر در غفلت و نسیان فرومی برد. عمل به واجبات و ترک محرمات و دستورات انبیا الهی باعث می شود که عهد و پیمان معرفت ما به خدا قوی تر گردد.

فهرست منابع و مآخذ

*قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، جلد ۵، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۲. بیابانی اسکوئی محمد، جایگاه عالم ذر و ارواح در فطرت توحیدی انسان، انتشارات نبأ، ۱۳۹۴.
۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت دارالقلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۴. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم چاپ پنجم، ۱۳۸۴.
۵. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، هاشم رسولی محلاتی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ق.
۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۷. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن کریم، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۳۰ق.
۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴.